

اسطوره سازی نکند



بخورد. دو روز قبل از بازی با مدیرعامل جلسه داشتیم که به ایشان گفتم برای من مراسم نگیرید. قبلاً در چهارصدمین بازی ام مراسم گرفتند و دوربین ۹۰ هم در طول مسابقه و بعد از بازی همراهم بود. خیلی برنامه خوبی شد. گفتم به خاطر خداحافظی من تمرکز تیم از بین نرود. مدیران گفتند مراسم می گیریم ولی خودم گفتم نه.

پول: سالی که سایپا قهرمان شد اکثر بچه‌ها از تیمهای دیگر پیشنهاد داشتند. سایپا باشگاهی نبود که پول زیادی بدهد. همان موقع قرارداد ما ۱۵۰ میلیون بود ولی به یکباره قراردادهای فوتبال زیاد شد و به ۳۵۰ میلیون رسید ولی در سایپا از این خبرها نبود. می‌شد با تغییر باشگاه پول خوبی بگیریم ولی راستش من به لقب وفادار متعصب بودم و دوست نداشتم همان موقع جدا شوم. سال ۸۹ هم باشگاه مراسمی برای دهمین سال حضورم گرفته بود و اصلاً نمی‌خواستم از باشگاه بروم. همیشه دوست داشتم ارزش این لقب را حفظ کنم و به خاطر همین جایی نرفتم. نرفتن به استقلال: سال ۸۵ که قهرمان لیگ برتر شدیم، استقلال به من پیشنهاد داد. من به جام ملتها رفتم و پس از آن با این باشگاه مذاکره جدی داشتم. مشکل من و سایپا سر مسائل مالی بود. آن موقع آقای فتح...زاده مدیرعامل استقلال بود و آقای حجازی سرمربی. نزدیک بود در استقلال شاگرد این مربی شوم. تا ثبت قرارداد هم رفتیم ولی در نهایت در سایپا ماندیم. البته بعدها که استقلال نتیجه نگرفت و فصل پرحاشیه‌ای برایش شد، گفتم خدا را شکر به این تیم نرفتم.

بخرود. دو روز قبل از بازی با مدیرعامل جلسه داشتیم که به ایشان گفتم برای من مراسم نگیرید. قبلاً در چهارصدمین بازی ام مراسم گرفتند و دوربین ۹۰ هم در طول مسابقه و بعد از بازی همراهم بود. خیلی برنامه خوبی شد. گفتم به خاطر خداحافظی من تمرکز تیم از بین نرود. مدیران گفتند مراسم می گیریم ولی خودم گفتم نه.

پول: سالی که سایپا قهرمان شد اکثر بچه‌ها از تیمهای دیگر پیشنهاد داشتند. سایپا باشگاهی نبود که پول زیادی بدهد. همان موقع قرارداد ما ۱۵۰ میلیون بود ولی به یکباره قراردادهای فوتبال زیاد شد و به ۳۵۰ میلیون رسید ولی در سایپا از این خبرها نبود. می‌شد با تغییر باشگاه پول خوبی بگیریم ولی راستش من به لقب وفادار متعصب بودم و دوست نداشتم همان موقع جدا شوم. سال ۸۹ هم باشگاه مراسمی برای دهمین سال حضورم گرفته بود و اصلاً نمی‌خواستم از باشگاه بروم. همیشه دوست داشتم ارزش این

حرفهای ابراهیم صادقی، کاپیتان سابق سایپا، پس از خداحافظی‌اش از فوتبال خواندنی است.

اسطوره سازی: یک جایی بودیم. آقای گفت ابراهیم صادقی تا حالا اخراج نشده. گفتم آقا صبر کن. من ۴، ۵ بار اخراج شده‌ام. تازه یکی، دو بار هم فنی نبود و رفتار بدی در زمین داشتم. من همیشه مسائل اخلاقی را سعی کرده‌ام رعایت کنم ولی این‌طور نباشد که از من اسطوره بسازند. من هم عصبانی شده‌وامگاهی اشتباهاتی داشته‌ام چیزی که در فوتبال حسرتش را می‌خورم، این است که چرا فقط یک فصل قهرمان شدیم و یک بار به آسیا رفتیم. دو، سه بار تا رسیدن به سهمیه پیش رفتیم ولی نشد. ناراحتم فقط یک بار در لیگ قهرمانان با سایپا حضور داشتم و این مسئله اذیتم می‌کند.

مراسم خداحافظی: من خودم نخواستم برایم مراسم خداحافظی بگیرند. متأسفانه شرایط ما حساس شده بود و نمی‌خواستم طوری شود که در این هفته آخر تمرکز بچه‌ها به هم

آرش برهانی افسوس گذشته‌های خورم

بقیه از صفحه ۵۹



ضروری احساس خلا می‌کند و به خاطر مشغله و درگیری‌های زیاد مدیران توجهی به این بخش‌ها نمی‌شود. دوست دارم اول اطلاعات و دانش چه در داخل و چه خارج از کشور جمع کنم تا با ایده‌های جدید به باشگاه در این زمینه‌ها خدمت کنم.

در این مدت ظاهر پیشنهاد بازیگری در سینما هم به تو شده است.

دو پیشنهاد داشتم که هر دو نفر از دوستان بسیار عزیزم هستند. یکی از آنها سالهاست که کارهای بزرگی انجام می‌دهد و از افراد مشهور سینما است حتی زمانی که بازی می‌کردم به من پیشنهاد شد ولی در کل تصمیم گرفتم این کار را انجام ندهم و فکر و ذکرم روی شغلی باشد که سالها برای آن زحمت کشیدم.

در صحبت‌هایت به مباحثی اشاره کردی که شاید نیمکت‌نشینهای تو و کنایه‌هایی که می‌زنی به امیر قلعه‌نویی ربط داشته باشد. آیا از او دلخوری داری؟

امیر قلعه‌نویی برای من قابل احترام است چون در این سالها جامهای بسیار زیادی برای استقلال به دست آورده و واقعاً دل هواداران را شاد کرده است. ممکن

آن روزی که در ۱۰ دقیقه سه گل به پرسپولیس زدیم در خاطر من مانده است. الان مد شده بعد از بازی هواداران می‌مانند و تیم را تشویق می‌کنند اما آن روز که ما سه گل به پرسپولیس زدیم هواداران تا نیم ساعت بعد از بازی در استادیوم بودند و ما شادیمان را با آنها تقسیم کردیم که جشن آن روز برایم خیلی خاص بود.

روز تلخ چطور؟

یادم می‌آید با برد مقابل افسس سئول می‌توانستیم به فینال آسیا برسیم آن روز ۹۰ هزار نفر آمده بودند و جو وحشتناکی برای حریف درست کرده بودند. با وجود آنکه ما به فینال آسیا نرسیده بودیم تماشاگران ماندند و ما را تشویق کردند. آن روز، روز تلخی برای ما بود که نتوانستیم به فینال برسیم.

این روزها چگونه می‌گذرد.

خودم را سرگرم می‌کنم و می‌خواهم از دو هفته دیگر به کلاسهای مربیگری بروم.

به مربیگری در استقلال فکر کرده‌ای؟

دوست دارم به هر نوعی که شده به استقلال کمک کنم. اتفاقاً تعداد بازیکنانی که روزی می‌خواهند مربی استقلال شوند خیلی زیاد است. من فقط فکر می‌کنم که به هر شکل ممکن به این تیم کمک کنم، در سالهایی که در استقلال حضور داشتم متوجه شدم که باشگاه در چند بخش حساس و

است من شاگرد یک روز دلخوریهای هم داشته باشم ولی به عنوان یک استقلالی همیشه از او ممنون هستم چون برای این تیم زحمت کشیده. قلعه‌نویی دو رباط و مینیسک پای خود را به خاطر استقلال از دست داده و با مصدومیت این روزهای زندگی را می‌گذرانند. من که نمی‌توانم منکر اینها شوم. من هیچ وقت به خودم اجازه نمی‌دهم اسم امیر قلعه‌نویی را به عنوان یک شخص بزرگ به جاهای بد، تاریک و تلخ زندگی ام وارد کنم. زحمات قلعه‌نویی را نه می‌شود منکر شد و نه می‌شود آن را فراموش کرد. او مرد فراموش نشدنی استقلال است. او در این مدت هم که من در استقلال نبودم به من خیلی لطف داشت و از من حمایت کرد و از او ممنون هستم.

اگر صحبت خاصی باقی مانده بگو.

می‌خواستم در مورد کودکی که مبتلا به بیماری سندرم داون هستم توضیحی بدهم. این کودک من متأسفانه جایی برای آموزش دیدن ندارد و مجبور هستند برای آموزش به پارک بروند. من دوست دارم هر کاری از دستم برمی‌آید برای آنها انجام دهم و با کمک دوستانم سامانه‌ای را برای آنها راه بیندازیم که محلی برای آموزششان باشد و بتوانند صاحب جایی برای تمرین شوند. در پایان هم می‌گویم این حرفها حرهای دلم بوده و هیچ انتظاری از استقلال ندارم. من هر کاری کردم بی منت به خاطر هواداران عزیز استقلال کردم و دوست نداشتم بعد از برنامه ۹۰ در مورد این قضایا حرفی بزنم ولی می‌خواهم دیگر در مورد استقلال حرفی نزنم و به دنبال کلاسهای مربیگری بروم.